## عظمت حضرت زهرا(س) نزد اهل سنت

# زهرا(س) عصاره فضایل رسول‌الله(ص)

آیت‌الله سیدحسن عاملی

بخش دوم و پایانی

**در نخستین بخش از مطلب حاضر به شمه‌ای از عظمت شخصیت بانوی دو عالم حضرت زهرا(س) اشاره شد و فضیلتی از ایشان به نقل از عالم بزرگ اهل سنت، زمخشری بیان شد، در ادامه به چند فضیلت دیگرحضرت به نقل از منابع اهل سنت پرداخته شده است.**

***

### فضیلت دوم؛ زهرا(س) پیشاپیش پیامبر(ص) در قیامت

فضیلت دوم حضرت زهرا(س) که در منابع اهل سنت ذکر شده در کتاب مستدرک نیشابوری جلد ۳ صفحه۱۵۳ آمده است.

نیشابوری روایت کرده است: رسول خدا(ص) فرمودند: «و ابعث علی البراق خطوها عند اقصی طرفها و تبعث فاطمه امامی» من به محشر که می‌آیم بر براق سوار هستم -معراج هم که رفتند بر براق سوار بودند و در انتخاب ماده برق سرّی هست - در حالی که دنباله رو دخترم زهرا هستم!

اگر شیعه این فضیلت را نقل می‌کرد قطعاً انکار می‌شد، همه اهل محشر نگاه می‌کنند می‌بینند که پیامبر خاتم، عصاره کائنات، فخر مخلوقات پشت سر حضرت زهرا حرکت می‌کند،هفتاد هزار ملک از سمت راست حضرت زهرا و هفتاد هزار نیز از سمت چپ در حالی که حضرت جبرائیل زمام کش آن حضرت است چرا حضرت زهرا جلوی پیامبر راه می‌رود؟ چون خداوند فرمود: «یَسْعی نُورُهُمْ بَیْنَ أَیْدِیهِمْ»؛ روزی که مردان و زنان باایمان را می‌نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان بسرعت حرکت می‌کند. (حدید، آیه ۱۲) آیا بشر می‌تواند در این دنیا نور پیامبر را درک یا تماشا کند؟ قلب پیامبر در اثر چهل سال کلاس خصوصی،آنچنان از نور علم الهی پر شد که طبق روایت، بزرگ‌تر و بالاتر از عرش گردید. این قلب اگر تجسم شود می‌شود حضرت زهرا!

در منابع اهل بیت(ع) نیز آمده که رسول خدا(ص) دست حضرت زهرا(س) را گرفتند و به مسجد آوردند و در جمع اصحاب فرمودند: « من عرفها فقد عرفها و من لم یعرفها فلیعرفها »؛ هر کس زهرا را شناخته،شناخته هر کس نشناخته بشناسد. (بحار الأنوار ج۴۳ ص۵۴ )

**اگر بنا بر تشخیص راه باشد فقط علمیت حضرت زهرا(س) که در خطبه‌های آن حضرت متجلی است قطعاً و قطعاً فصل‌الخطاب و در پای محاسبه ابدیت مایه بزرگ‌ترین احتجاج خداوند بر امت است. ای کاش و صدای کاش کسی باشد که خطبه ایشان را از جهت علمی بررسی کند کلماتی که به کار برده، مفاهیمی که به کار گرفته، ترکیباتی که به ذهن حضرت خطور کرده، نظم و نسق مفاهیم و کلمات و... همه آسمانی است و کار بشر عادی نیست.**

پیامبر خدا(ص) فرمودند: « اوتیت جوامع الکلم»؛ خداوند به من قدرتی داده که با یک جمله می‌توانم یک عالم مطلب را برسانم»(عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۲۰، حدیث ۱۹۴). حدیث فوق در زمره همان جملات است وقتی ایشان می‌فرمایند «زهرا بضعهٔ منی»؛ فاطمه پاره تن من است.(نور الابصار، ص ۴۱)؛ معنای آن این است که هرکجا زهرا هست من هستم، هرکجا زهرا راضی است من راضی‌ام و هرکجا زهرا ناراضی است من ناراضی‌ام! سپس فرمود:«و هی قلبی الذی بین جنبیّ»؛ او قلب میان دو پهلوی من است(همان) مراد از قلب در این‌گونه روایات قلب صنوبری شکل واقع در سمت چپ معده نیست؛

دل اگر این مهره آب و گل است
خر هم از اقبال تو صاحبدل است!
گردل به‌مذهب به‌جز این گوشت‌پاره نیست
قصاب کوی به ز تو داند بهای دل!

بلکه مراد از آن همان است که خداوند در قرآن فرموده: «إِنّ فِی ذَلِکَ لَذِکْرَی لِمَنْ کَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَی السّمْعَ وَهُوَ شَهِیدٌ»، در احوال پیشینیان پند و تذکر است ان را که قلب هوشیاری داشته باشد یا گوش فرا دهد و توجه کامل کند و گواهی دهد.(ق،آیه ۳۷) این قلب نه با خوردن بلکه با علم و معرفت بزرگ می‌شود این‌گونه قلب هیچ وقت پر نمی‌شود، قلب رسول خدا همان قلبی است که در حق صاحب آن گفته شده «الخاتم لما سبق و الْفَاتِحِ لِمَا استقبلَ وَ المهیمن علی ذلک کله»؛ پیامبری که پایانگر یک حقیقت و آغازگر حقیقتی دیگر است.(زیارت غدیریه علی(ع). از این‌جا باید فهمید که اصل بهشت رویت جمال رسول خداست.خود حضرت فرمودند: «من رانی فقد رای الحق»؛ هر کس مرا دید خدا را دیده است. (الاسفار العقلیه الاربعه، ج۸، ص۳۰۶ ) بهشت اعلی در آخرت مشاهده جمال پیامبر ماست لذا به ما دستور دادند که این دعا را زیاد بخوانیم:« اللهم لا تحرمنی رویته» خدایا روز قیامت چشم من را از جمال پیامبر محروم نکن.(از دعاهای روز عرفه) البته به تعبیر آیت‌الله اراکیِ با صرف دعا کسی آدم نمی‌شود بلکه باید عملاً چشم انسان در اثر طهارت قلبی پاک شود تا لیاقت رویت جمال پیامبر اعظم را داشته باشد. چشمی که به نامحرم نگاه نکرده، صحنه‌های نامشروع را تماشا نکرده به آیه کریمه:و«هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادّی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میفکن! اینها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است!» (طه، آیه ۱۳۱) عمل کرده و دستورالعمل امام صادق(ع) را که فرمود: « و لا تکن لقّاتاً»؛ در هنگام راه رفتن، بسیار نگاه‌کننده به اطراف و جوانب مباش. (مصباح‌الشریعهٔ؛ ص۲۷) را نصب العین خود قرار داده می‌تواند آن بهشت دل آرا را تماشا بکند،کسی که قدرت و اراده داشته که چشم خود را از لذت حرام حفظ کند،این اراده در ساحت ابدیت به صورت«یُفَجِّرُونَهَا تَفْجِیراً»(دهر، آیه ۶)ظاهر می‌شود.

خداوند در عرصه محشر برای کسانی که نتوانسته‌اند از لذت حرام، از لذت نگاه به نامحرم، از لذت آرایش نامحرم،از لذت تبرج جاهلی، از لذت جذب نگاه‌ها با نشان دادن زیبایی‌های بدن، از لذت مال حرام، رشوه، رانت، خیانت به بیت‌المال و... بگذرند، یک آیه قرآن را برای آنها می‌خواند و آن آیه این است: « آن روز که کافران را بر آتش عرضه می‌کنند (به آنها گفته می‌شود:) از طیّبات و لذائذ در زندگی دنیا خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید؛ اما امروز عذاب ذلّت‌بار به‌خاطر استکباری که در زمین بناحق کردید و به‌خاطر گناهانی که انجام می‌دادید؛ جزای شما خواهد بود!» (احقاف، آیه ۲۰). می‌فرماید در دنیا لذت خود را برده‌ای از من چه می‌خواهی؟!

گاهی در دنیا عارف را جنون می‌گیرد، یک وجه جنون او این است که لذت‌های خودش را با لذت‌های انسان‌های عامی مقایسه کرده مبتلا به جنون می‌شود! او تعجب می‌کند که چگونه انسان‌ها با لذات عضوی و مقطعی ارضا می‌شوند!

در آیه: یَسْعی نُورُهُمْ بَیْنَ أَیْدِیهِمْ»؛ نورشان در پیش رویشان حرکت می‌کند. (حدید، آیه ۱۲) باید خیلی تامل و تدبر کرد. اگر قرار باشد نوری که در قلب پیامبر است بیرون آمده و تجلی پیدا کند، به تعبیر روایات اهل سنت، می‌شود حضرت زهرا! این سخن معنای بسیار عمیقی دارد و نشان می‌دهد فضایل رسول خدا در وجود مبارک حضرت زهرا محقق و متجلی است؛ علم،حکمت، معرفت، معنویت، عبودیت، ریاضت، نماز، حلم، و... همه در وجود مبارک حضرت زهرا(س) جلوه‌گر است.

### احتجاج خداوند با مردم با خطبه‌های حضرت زهرا(س)

اگر بنا بر تشخیص راه باشد فقط علمیت حضرت زهرا(س) که در خطبه‌های آن حضرت متجلی است قطعاً و قطعاً فصل‌الخطاب و در پای محاسبه ابدیت مایه بزرگ‌ترین احتجاج خداوند بر امت است.ای کاش و صد ای کاش کسی باشد که خطبه ایشان را از جهت علمی بررسی کند، کلماتی که به کار برده، مفاهیمی که به کار گرفته، ترکیباتی که به ذهن حضرت خطور کرده، نظم و نسق مفاهیم و کلمات و... همه آسمانی است و کار بشر عادی نیست و بیجا نبود که خلیفه دوم با شنیدن آن، گفت «دعوها فانها معلمه» ادیب متخصص از مشاهده سطح بلاغت و فصاحت این خطبه قطعاً مدهوش می‌شود، آن بانوی دو عالم این خطبه را در چه حالی خوانده است؛ در حالی که پدر از دنیا رفته، حق امیر المومنین غصب شده، فدک گرفته شده، اسباب درد و ناراحتی در اوج است، در برابر نامحرم صحبت می‌کند. وقتی به طرف منبر می‌آید تا خطبه را شروع کند از شدت حیا، لباس به پایش گیر می‌کند و نمی‌تواند راه برود، چون در برابر نامحرم است و...

باید اعتراف کرد امکان ندارد این خطبه‌ها از انسان عادی صادر بشود.بلاغات النساء را بخوانید و خطبه‌های حضرت زهرا (س) و زینب(س) را با خطبه‌های سایر خانم‌های خطیب مقایسه کنید، قطعاً مقایسه شما مقایسه بین زمین و آسمان خواهد بود، اگر خداوند روز قیامت فقط با خطبه حضرت زهرا احتجاج بکند هیچ مخالفی نمی‌تواند حرف بزند.

### فضیلت سوم؛ خشنودی و خشم خدا در گرو خشنودی و خشم زهرا(س)

راویان اهل سنت آورده‌اند که رسول اکرم(ص) فرمودند: «انّ اللهَ عَزّوَجَلّ یغضبُ لِغَضبِ فاطمَـهٔ وَ یَرضی لِرضاها»(کنزالعمال ج۱۲/ ص۱۱۱.)؛ جایی که دخترم زهرا غضب کند خداوند غضب می‌کند و جایی که دخترم زهرا راضی باشد خداوند راضی می‌شود.

عصمت به این معناست که انسان از خواسته‌های نفسانی بالا بیاید و به عقلانیت برسد یعنی عقل در مملکت بدن حاکم و قوه قضائیه بشود و از آن نیز بالاتر بیاید و اراده نکند جز آنچه را که خداوند اراده می‌کند، این می‌شود عصمت. پس عصمت یعنی انسان به اراده خداوندی نگاه بکند.

عجیب است که اهل سنت در روایت فوق این را عکس کرده‌اند و گفتند خداوند به اراده زهرا نگاه می‌کند یعنی غضب می‌کند جایی که زهرا غضب می‌کند و اظهار رضایت می‌کند جایی که زهرا راضی است! به همین جهت محققین می‌گویند این حدیث نه دلیل بر عصمت حضرت زهرا بلکه نشان فوق عصمت است و قطعاً اگر شیعه این حدیث را نقل می‌کرد غوغای بزرگی بر پا می‌شد.این حدیث واقعاً فصل الخطاب است و همه چیز را تمام می‌کند،به همین جهت علمای اهل سنت درخصوص این حدیث نظرات خاصی را ارائه کرده‌اند

### تلاش مذبوحانه معاندان برای مخدوش کردن فضایل زهرا(س)

برخی علمای اهل سنت مثل ابن تیمیه اعتقاد دارد این‌گونه فضیلت‌ها دروغ محض و مجعول است، او در جوامع روایی هر کجا فضیلتی از حضرت زهرا(س) و امیرالمومنین(ع) دیده، به خیال خودش تا توانسته آن را خراب کرده است، امکان ندارد او در برابر فضایل امیر المومنین و حضرت زهرا و هر آنچه که در منابع اهل سنت به نفع شیعه است ساکت بنشیند و تخریبی انجام ندهد و صد البته او باید در محضر خداوند جوابگوی «نصب»(دشمنی) خود باشد، کلماتی که انسان‌ها بر زبان می‌آورند یک روزی به خود آنها بر می‌گردد و آنها باید جوابگو باشند، در روز قیامت هر خطیبی را با خطبه‌های خود می‌آورند و از کلمه به کلمه آن سؤال می‌کنند

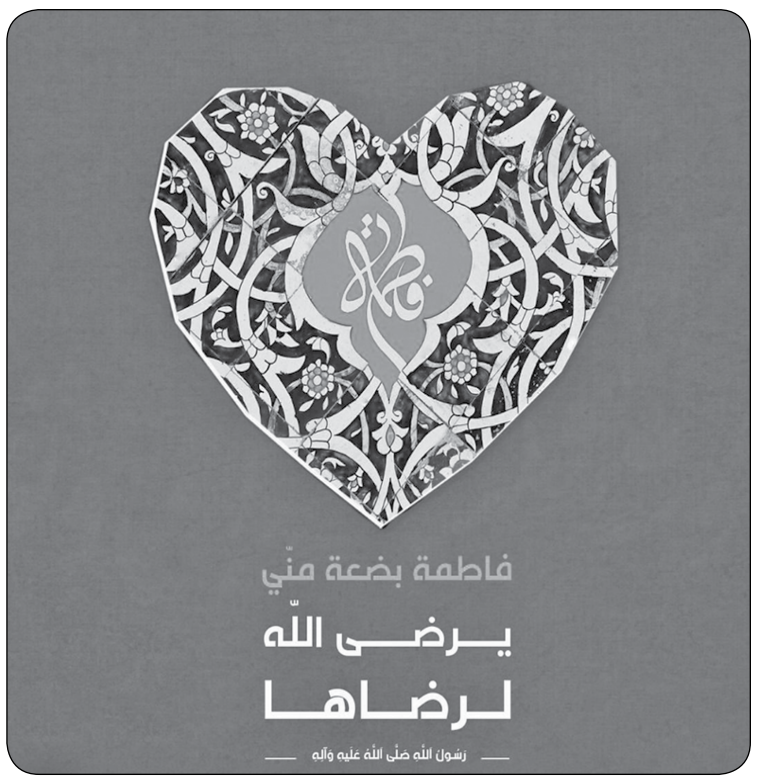

**اگر قرار باشد نوری که در قلب پیامبر است بیرون آمده و تجلی پیدا کند، به تعبیر روایات اهل سنت، می‌شود حضرت زهرا! این سخن معنای بسیار عمیقی دارد و نشان می‌دهد فضایل رسول خدا در وجود مبارک حضرت زهرا محقق و متجلی است؛ علم، حکمت، معرفت، معنویت، عبودیت، ریاضت، نماز، حلم، و... همه در وجود مبارک حضرت زهرا (س) جلوه‌گر است.**

و لذا در روایت است «فاعدّ له جوابا» یعنی قبل از ورود به هر کاری برای خدا همیشه جوابی آماده کن، یک روز خداوند تمام خطیبان، نویسنده‌ها و فورواردکننده‌های منحرف را پای محاسبه می‌آورد و آنها از شدت عذاب محاسبه می‌گویند: «حاسبونا و لو الی النار»! یعنی ما را به جهنم هم که می‌خواهید ببرید ولی از پای محاسبه خلاص کنید.

**به تعبیر آیت‌الله اراکی با صرف دعا کسی آدم نمی‌شود بلکه باید عملا چشم انسان در اثر طهارت قلبی پاک شود تا لیاقت رویت جمال پیامبر اعظم را داشته باشد.**

بعضی دیگر از عالمان وهابی وقتی به حدیث فوق رسیده‌اند و دیده‌اند که سند حدیث کاملا صحیح است و امکان انکار نیست از سر استیصال گفته‌اند که این حدیث تاویل دارد! یعنی یک چیزی در تقدیر است! آنها گفته‌اند در واقع حدیث این‌گونه است: خداوند طبق غضب و رضای زهرا حکم می‌کند مگر اینکه زهرا اشتباه کند!!! آن وهابی می‌گوید - نعوذ بالله- فاطمه اشتباه کرد، چرا که او خطبه خواند و هیچ یک از اصحاب به حرف او گوش نکردند، چهل شبانه‌روز به منزل مهاجرین و انصار رفت ولی هیچ کس از او اطاعت نکرد،این سخن در نهایت سخافت و ضعف است چون حدیث در مقام تجلیل است، در حالی که با تقدیر فوق،حدیث، دیگر تجلیلی ندارد چون به همه می‌توان گفت تو خوب هستی مگر اشتباه بکنی.

گاهی با یک تاویل از سنخ تاویل فوق که قائل به تقدیر است بزرگ‌ترین فتنه و خونریزی به وجود می‌آید. آنها در آیه:« و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما»؛ اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذاردند)، به نزد تو می‌آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می‌کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.(نسا، آیه ۶۴) نیز قائل به تقدیر شده‌اند و گفته‌اند کلمه « فی حیاتک» پس از جاووک، در آیه پنهان است!پس توسل به مرده شرک و به زنده فضیلت است!!! و باید تمام متوسلین به اموات کشته شوند.

باید به همه اینها گفت اگر قرار بر تقدیر بود، خود خداوند آن را ذکر می‌کرد و شما حق ندارید با خروج از ظاهر آیه به خداوند تعیین تکلیف بکنید.

بعضی دیگر از علمای اهل سنت می‌گویند ما باید این حدیث را بپذیریم اگر نپذیریم تبعیض در سنت می‌شود در آن صورت ما به سنت عمل نکرده‌ایم بلکه به هوی و هوس خود عمل کرده‌ایم.

بعضی‌ها هم می‌گویند باید فهم این حدیث را به خود رسول خدا حواله دهیم که بهتر از همه می‌داند که چه گفته است.

در هر حال حدیث فوق فضیلتی بسیار استثنایی درباره حضرت زهراست و نشان می‌دهد که آن خاتون دو عالم نه متاثر از اشتهای نفس بوده و نه متاثر از شرایط اجتماعی بلکه به تعبیر رسول خدا:دخترم فاطمه از فرق سر تا نوک پا «ایمان و اخلاص» است یعنی هیچ جا تشفی خاطر نکرد، کاری نکرد که دلش را خنک کند، یک جا انتقام نگرفت یعنی هر حرفی زد حرف خدا بود، آن بانوی دو عالم در این خصوص الگوی بزرگی برای بشریت است.

### فضیلت چهارم؛ تولدی استثنایی و بی‌نظیر

از اوصاف بسیار عجیب حضرت زهرا (س) خصوصیات تکون و تولد اوست. این امر، هم در منابع شیعی و هم در منابع اهل سنت حیرت‌آور است، آنچه از منابع شیعی استفاده می‌شود این است که شخصیت آن علیا مخدره در معراج و در عالم بالا شکل گرفته است، آنجا که رسول خدا به پای درخت طوبی می‌رسد خود حضرت می‌فرماید برگی سبزتر از برگ آن درخت ندیدم و میوه‌ای شیرین‌تر از میوه آن نخوردم، وقتی میوه این درخت را خوردم، نور حضرت زهرا را در خودم احساس کردم و لذا وقتی همسر پیامبر اعتراض می‌کرد که دختر را بعد از رفتن به خانه بخت نمی‌بوسند، می‌فرمود: بوی سیب طوبی را از زهرا استشمام می‌کنم.آن حضرت به کره خاکی بر می‌گردد و در موعد خاص جبرئیل در صورت حقیقی نازل می‌شود و جبرئیل جز برای امور مهم در صورت حقیقی خود نازل نمی‌شد و هر وقت صورت حقیقی به خود می‌گرفت شرق و غرب را پر می‌کرد، به همین جهت رسول خدا فهمید امر مهمی در کار است جبرئیل طبقی از طعام بهشتی با خود آورده بود مشتمل بر خرمای بهشتی و شراب بهشتی، جبرئیل عرض کرد یا رسول‌الله،از این طبق فقط خودتان و خدیجه میل می‌فرمایید و برای شخص دیگر روا نیست، در نتیجه بقیه آن به عالم بالا برده شد، سپس جبرئیل عرض کرد چهل روز تو و خدیجه با کسی تماس نمی‌گیرید یعنی تماس پوست و مصافحه در نطفه‌ای که قرار است چهل روز دیگر منعقد شود تاثیر دارد، دین ما فوق علم دارد ولی ضد علم ندارد، چرا رسول خدا و خدیجه به طعام خاص و چله خاص، مخصوص می‌گردند؟ چون قرار است سر چهل روز نور فاطمی منعقد شود از عجایب امور این است که رسول خدا در خلوص، تمام و کامل بود اما باز برای حضرت چله‌ای که به منزله تصفیه خانه است درست می‌شود تا در نهایت آن،حقیقتی متکون بشود که فاطمه نام دارد.

آنچه در منابع اهل سنت نیز آمده بسیار عجیب است بخشی از جزئیات این حادثه عجیب که به منزله تابلوی سر راه است و سر سوزن شبهه‌ای در تشخیص راه از بیراهه نمی‌گذارد از زبان رسول خدا(ص) و خدیجه(س) این‌گونه نقل شده است:

أتانی جبریل بتفاحة من الجنة فأکلتها وواقعت خدیجة فحملت بفاطمة فقالت انی حملت حملا خفیفا فإذا خرجت حدثتنی الذی فی بطنی فلما أرادت أن تضع بعثت إلی نساء قریش لیأتینها فیلین منها ما یلی النساء ممن تلد فلم یفعلن وقلن لا نأتیک وقد صرت زوجة محمد(ص)فبینما هی کذلک إذ دخل علیها أربع نسوة علیهن من الجمال والنور ما لا یوصف فقالت لها احداهن أنا امک حواء وقالت الاخری أنا آسیة بنت مزاحم وقالت الاخری أنا کلثم أخت موسی وقالت الاخری أنا مریم بنت عمران أم عیسی جئنا لنلی من أمرک ما یلی النساء قالت فولدت فاطمة فوقعت حین وقعت علی الارض ساجدة رافعة أصبعها(ذخائر العقبی صفحه۴۴)

پیامبر (ص) می‌فرمایند: جبرئیل یک سیب از بهشت برای من آورد، آن را خوردم و بعد از آن خدیجه به فاطمه حامله شد، اوبه من گفت که این طفلی که الان در رحم من است با من حرف می‌زند! این فضیلت را اگر شیعه نقل می‌کرد آیا عامه قبول می‌کردند؟ چرا این امور خارق العاده اتفاق می‌افتد؟ چون خداوند می‌خواهد از اول بگوید که یک آدم عادی به دنیا نمی‌آید،وقتی وضع حمل نزدیک شد،حضرت خدیجه برای زن‌های قریش پیغام فرستاد که وضع حمل من نزدیک است و من به شما احتیاج دارم اما آنها از روی کینه و عناد نیامدند و در علت آن گفتند چرا با محمد ازدواج کردی؟ ما هم نمی‌آییم! این هم کار خدا بود که زنان مشرکه با حضرت زهرا تماس پیدا نکنند. در ولادت امیر المومنین(ع) نیز وقتی ابوطالب رفت تا زن‌هایی را برای مساعدت در زایمان به نزد فاطمه بنت اسد بیاورد،هاتفی ندا داد بنشین که دست کافر نجس نباید به بدن ولی‌الله بخورد! یعنی تماس پوست عامل انتقال خلقیات است! و لذا توصیه شده که قابله ترسو نباشد و الا بچه ترسو می‌شود! الان در علم به جایی رسیده‌اند که می‌گویند سلول‌ها در بدن دو انسان می‌توانند با هم ارتباط داشته باشند.

حاصل اینکه زنان مشرکه نیامدند و در این حال خدیجه مشاهده فرمود چهار خانم مجلله که در نهایت جمال و نور بودند وارد منزل شدند،یکی از آنها گفت:من مادر تو حوا هستم، دیگری گفت: من آسیه هستم و سومی گفت:من کلثوم خواهر موسی هستم و چهارمی اظهار داشت: من مریم دختر عمران و مادر عیسی هستم ما از طرف خداوند مامور شده‌ایم که در زایمان، آنچه را که زن‌های عادی انجام می‌دهند ما انجام دهیم و به تو در این تولد کمک کنیم.

---

# حقیقت «توحید» در کلام حضرت زهرا(س)

در خطابه معروفی که وجود مقدس صدّیقه کبری فاطمه زهرا(س) در مسجد پیغمبر(ص) در محضر جماعت مهاجر و انصار و خلیفه وقت برای احقاق حقوق خودش ایراد فرمود...

بعد از شکر و سپاس از ذات پروردگار، شهادت به توحید را با این تعبیر بیان می‌کند:

«أشـهد أن لا اله الا الله، کلمهٔ جعل الاخلاص تأویلها و ضمن القلوب موصولها و أنار فی الفکر معقولها»

شاهدم -در- جمله اول است؛ می فرماید: من شهادت می‌دهم به یگانگی خدا، من این کلمه لا اله الاّ اللّه را به زبان خود جاری می کنم، این حقیقت را اعتقاد دارم، ولی این کلمه، کلمه ای است که: جعل الاخلاص تأویلها یعنی مآل و بازگشت و حقیقت این کلمه، مرحله تحقق و واقعیت این کلمه، اخلاص است.

این اخلاص، همان توحید عملی است.

حضرت زهرا در شهادت دادنِ خودش دارد فکر خودش را می گوید، اعتقاد خودش را بیان می کند، توحید نظری را بیان می‌کند؛ ولی برای اینکه بفهماند در اسلام توحید نظری از توحید عملی جدا نیست بلکه کمال توحید نظری در توحید عملی است، با این تعبیر بیان می‌کند: «کلمهٔ جعل الاخلاص تأویلها»

تأویل در اصطلاح قرآن یعنی مآل؛ آن چیزی که بازگشت و نهایت و بلکه کنه و حقیقت شیء اوست.

این جمله می رساند که از نظر اسلام توحید اگر صرفاً توحید نظری باشد یعنی در مرحله فکر و نظر بماند، به مرحله عمل نرسد، در مرحله اندیشیدن متوقف بشود و در مرحله بودن و زیستن انسان تحقق پیدا نکند، این توحید، توحید حقیقی و واقعی نیست.

توحید اسلام، طرحی است برای پیاده شدن در وجود انسان؛«خدا در اندیشه» برای «خدا در زندگی» است، یعنی مقدمه‌ای است برای «خدا در زندگی».

***مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج۳۰، ص: ۳۰۰-۲۹۹- با تلخیص و ویرایش**

---

# صراحت و عدم نفاق، شرط آزادی بیان

## نمونه‌ای از مواجهه صریح، منطقی و شجاعانه شهید مطهری با افکار مخالف

من در محیط همین دانشکده- الهیات دانشگاه تهران-به فردی که عقاید ماتریالیستی داشت و گاهی سر کلاسها ابراز می‌کرد، هم به خودش و هم چند بار به وسیله استادهای دیگر به او پیغام دادم گفتم:

من به تو نمی‌گویم تو چرا این طور فکر می‌کنی، حق داری این طور فکر کنی؛ و نمی‌گویم که تو چرا فکر خودت را ابراز می‌کنی، حق داری ابراز کنی؛

ولی من یک مطلب به تو می‌گویم: تو واقعا اگر به فکر خودت ایمان و اعتماد داری چرا جلو ما این حرفها را نمی‌زنی؟ چرا هر جا دانشجویان سال اول حضور دارند- که می‌دانی از جایی اطلاع ندارند و معمولا دانشجو از استاد حساب می‌برد و بیم دارد که آخر ترم نمره به او ندهد- حرف‌هایت را می‌زنی؟ من هم می‌آیم سر کلاس می‌نشینم، دانشجویان هم باشند،تو حرفهایت را بزن من هم حرف‌هایم را می‌زنم (آزادی فکر معنایش این است)، تو بگو من هم بگویم، تو بنویس من هم بنویسم، تو فکر خودت را ابراز کن من هم ابراز کنم. تو صریح و بی نفاق آنچه که واقعا فکر می‌کنی بیان کن- نه در زیر لفافه‌های دیگر که آن نفاق و حقه‌بازی و توطئه و اغفال و اضلال است- من هم بیان می‌کنم.

گفتم اگر مایل هستی یک میزگرد تشکیل می دهیم، حتی استادهای دانشکده‌های دیگر را هم بخواهی حاضر می‌کنیم، اگر مطالبی علمی و منطقی داری بگو، ما هم اگر حرفی داشته باشیم در مقابل شما بگوییم.

گفتم: با اینکه من به هیچ وجه حاضر نیستم در رادیو و تلویزیون حرف بزنم یا ظاهر بشوم (در زمان رژیم گذشته)

ولی برای این کار حاضرم، تا همه مردم ایران بشنوند یا ببینند.ولی فکرتان را در زیر لفافه‌های دیگر نگویید. من همین جا به همه این دوستان غیرمسلمان اعلام می‌کنم که: از نظر اسلام تفکر آزاد است، تو هر طور می‌خواهی بیندیشی بیندیش، هر طور می‌خواهی عقیده خودت را ابراز کنی- بکن به شرط اینکه همان فکر واقعی خودت را ابراز کنی.

***مجموعه آثار استاد شهید مطهری**
**(آینده انقلاب اسلامی ایران)**
**ج۲۴، ص: ۱۲۴-با ویرایش جزئی**

---

# دستگاه‌های سه‌گانه تصفیه آلودگی‌ها در تفکر دینی

دین مقدس اسلام در ابتدا، هم صاف بوده و هم پاک ولی خواه‌ناخواه در طول چهارده قرن که در بستر افکار مردم قرار گرفته آلودگی‌هایی در آن پیدا شده است.

ولی آن‌چه که مایه خوشوقتی است این است که دستگاه تصفیه برای پاک کردن این آلودگی‌ها وجود دارد:

۱. دستگاه تصفیه در درجه اول خود قرآن است که مصون و محفوظ از هرگونه تغییری در دست است.

۲. دیگر سنت قطعی پیغمبر اکرم(صلی‌الله علیه و آله) است که از آن هم به مقدار کافی در دست داریم.

۳. عقل است که دین مقدس اسلام عقل را حجت و معتبر شناخته است.

قرآن خیلی لحن مؤدبی دارد. دو سه جاست که قرآن زبان به یک تعبیری می‌گشاید که تقریباً نوعی دشنام است.

یکی آنجایی که بشر عقلش را،این حجت ناطق به قول امام کاظم(ع)را به کار نمی بندد.

قرآن می فرماید:

إِنّ شَرّ الدّوَابِّ عِنْدَ اللهِ الصّمّ الْبُکْمُ الّذِینَ لا یَعْقِلُونَ(انفال/۲۲) بدترین جنبنده‌ها در نزد خدا چیست؟ انسان‌هایی هستند که خدا به آنها زبان داده ولی لالند،گوش داده ولی کرند، عقل داده ولی تفکر و تعقل ندارند.

ما اگر این سه مقیاس را به کار ببریم، می‌توانیم خودمان را از هرگونه لغزش و غلطی مصون بداریم و انحرافات و اشتباهاتی را که پیدا شده است از میان ببریم.

***مجموعه آثار استاد شهید مطهری**
**(اسلام و نیازهای زمان(۱ و ۲)) ج۲۱،**
**ص: ۱۰۴-۹۶ با تلخیص و ویرایش جزئی**

---

## چراغ راه

### سرور زنان به ویژه مسلمانان

**قال النبی(ص): «اما ترضین انی زوجتک اول المسلمین اسلاما، و اعلمهم علما، فانک سیده نساء امتی کما سادت مریم قومها».**

پیامبر اکرم(ص) فرمود: (ای فاطمه جان!) آیا راضی و خشنود نیستی که تو را به ازدواج کسی درآوردم که در اسلام، اولین مسلمان، و در علم و دانش عالم‌ترین مردم است، و تو سید و سرور زنان امت من هستی، همان‌گونه که حضرت مریم(س) بزرگ زنان قوم خود بود.(1)

---

(1) ۱- کنزالعمال، ج ۶، ص ۱۵۳

## حکایت خوبان

### بافضیلت‌ترین زنان دو عالم

ابن عباس از نبی اکرم(ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: چهار تن از زنان، از بزرگ‌ترین و شریف‌ترین زنان دو عالم(دنیا و آخرت) هستند: ۱- حضرت مریم دختر عمران ۲- حضرت آسیه دختر مزاحم ۳- حضرت خدیجه کبری دختر خویلد ۴- حضرت فاطمه(س) دختر حضرت محمد(ص)، و بافضیلت‌ترین و والاترین آنها در دو عالم حضرت فاطمه(س) است. (1)امام صادق(ع) می‌فرماید: برای حضرت فاطمه در نزد خدای عزوجل نه نام است: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا و فرمود: اینکه به فاطمه نامیده شده به این جهت است که از شر و پلیدی جدا گشته و زشتی و پلیدی از او گرفته شده است و اگر علی(ع) به وجود نمی‌آمد، او را هم‌شأنی در روی زمین نبود. (2)

---

(1) ۱- فضایل‌الخمسه، ج ۳، ص ۱۴۲

(2) ۲- کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۱۹

## پرسش و پاسخ

### فاطمه(س)، الگوی دست‌یافتنی

**پرسش:**

**آیا شخصیت حضرت فاطمه(س) می‌تواند برای مردم دنیا درعصرها و نسل‌های مختلف الهام‌بخش و الگو و راهنمای عمل آنها باشد؟**

**پاسخ:**

#### نیاز به الگو

به طور کلی در پاسخ به اینکه چرا انسان به الگو نیاز دارد، به نحو اجمال می‌توان محورهای مختلف ذیل را مطرح کرد: ۱- شناخت معیارها و ملاک‌های سبک زندگی متعالی و ارائه الگو ۲- شناخت انسان کامل و نمونه جهت همگون شدن رفتاری با او ۳- جذب انسانهای دارای کمالات و تأسی جستن به رفتار افراد مورد قبول ۴- اهمیت وجود الگوهای انسانی مناسب و آموزش و تربیت از راه الگوی عملی ۵- به فعلیت رساندن توانایی‌هایی بالقوه انسان و آسان شدن کارهای سخت با نگاه به الگو ۶- ارائه مجسمه عملی ارزش‌های نظری جهت دست یافتنی‌تر شدن آن ارزش‌ها و... بنابراین منظور از الگو نمونه عینی و مشهود یک فکر و اندیشه در ابعاد گوناگون است که برای رسیدن به کمالات از سوی دیگران پیروی می‌شود. شهید مطهری(ره) نیاز به الگو و دلیل آن را این گونه بیان می‌کند: شناخت انسان کامل یا انسان نمونه از دیدگاه اسلام، از آن نظر برای ما مسلمین واجب است که حکم مدل و الگو و حکم سرمشق را دارد، یعنی اگر بخواهیم یک مسلمان کامل باشیم، چون اسلام می‌خواهد انسان کامل بسازد، و تحت تربیت و تعلیم اسلامی به کمال انسانی خود برسیم، باید بدانیم که انسان کامل چگونه است. سیمای معنوی انسان کامل چگونه سیمایی است و مشخصات انسان کامل چگونه مشخصاتی است تا بتوانیم خود و جامعه خود را آن گونه بسازیم. (انسان کامل، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۱۵)

#### انواع الگوها

الگوهایی را که برای ما الهام بخش بوده و ممکن است که ما از آنها الگوبرداری کنیم و خودمان را با آن هماهنگ کنیم سه دسته هستند: **۱- الگوهای منحرف:** که قابل الگوگیری نیستند و اگر در پی آنها حرکت کنیم تمام استعدادها و دارایی‌مان هدر می‌رود. **۲- الگوهای ناقص:** کسانی که فقط در برخی از ابعاد باید از آنها الگو گرفت، زیرا خودشان کامل نیستند و دارای نقص‌ها و کمبودهایی هستند که باید با الگوگیری از افراد کامل جبران شود،مانند: معلم و پدر و مادر و... **۳- الگوهای کامل:** کسانی که دربست می‌توان خود را در اختیار آنها قرار داد و در تمام ابعاد می‌توان از آنها الگو گرفت. اینها کسانی هستند که از هرگونه خطا و اشتباه در امان بوده و معصوم هستند. در دعا به امام علی(ع) می‌گوییم: «السلام علیک یا میزان الاعمال» یعنی اعمال و رفتار ما انسان‌ها را با امام علی(ع) و سایر معصومین می‌سنجند و به ما نمره می‌دهند.

#### حضرت فاطمه(س) الگوی انسان کامل

انسان کامل به کسی گفته می‌شود که همه ظرفیت‌های وجودی سرشته در ذات خویش را به فعلیت رسانده و در مسیر تقرب الی‌الله با بهره‌گیری از آموزه‌های عقلانی و وحیانی، متاله و خدایی شده و مظهر کامل اسمای الهی گشته و مقام خلیفه اللهی را به دست آورده باشد. چنین انسانی به دلیل اینکه هدف آفرینش و فلسفه خلقت را دریافته و محقق نموده لذا، بهترین الگوهای رفتاری برای پیروی سایر انسانها می‌باشد. در این رابطه حضرت فاطمه(س) به تعبیر قرآنی، معصوم و انسان کاملی است که برای دیگران حجت می‌باشد. (احزاب- ۳۳) همین عصمت و انسان کامل بودن، به وی این امکان را می‌بخشد تا به عنوان اسوه کامل از سوی خداوند معرفی شود. بنابراین انسان‌ها باید از آن حضرت در سبک زندگی خویش به عنوان الگوی برتر و بهتر بهره گیرند و سخنان و رفتارش را به عنوان حجت بپذیرند و بدان عمل کنند.

#### فضایل فاطمه(س)

برای اینکه بتوانیم حضرت فاطمه(س) را به عنوان اسوه زندگی خود قرار دهیم، می‌بایست به فضایل و ارزشهای آن حضرت نیز توجه کنیم و آنها را در سبک زندگی خود پیاده نماییم. اهم امهات این اوصاف و ویژگی‌های اکتسابی قابل تحصیل عبارتند از: **۱- اخلاص فاطمه(س):** اصولاً اخلاص اصل اساسی در دستیابی انسان به هر فضیلت اخلاقی و الهی است. از این رو همواره در آیات قرآن بر اخلاص در عمل تأکید شده است. **۲- خوف از خدا و قیامت و بیمناکی از عذاب دردناک آن:** خوف از خدا و قیامت یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده انسان از ارتکاب به هر گناه و آلودگی است. (انسان- آیات ۷ تا ۱۰) **۳- صبر در برابر سختی‌ها و ادای مسئولیت و وظایف الهی:** صبر یکی از رئوس کمالات انسانی است و صبر در بلا، معصیت و مصیبت نشانه بارزی از کمالات هر انسانی به حساب می‌آید که مصداق اکمل آن حضرت زهرا(س) است. (انسان- ۸ و ۱۲) **۴- اطعام به نیازمندان در عین نیاز خود:** انسان تا از آنچه مورد علاقه و محبوب او است به دیگران انفاق نکند به مقام بر و نیکوکاری نمی‌رسد. «لن تنالوا البرحتی تنفقوا مما تحبون» هرگز به مقام بر و نیکی نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید (آل عمران- ۹۲) این ویژگی را حضرت فاطمه در اوج بندگی خدا نشان داد که سوره انسان به خاطر چنین خصیصه‌ای نازل گردید. (انسان- ۸) ۵- مظهر عبودیت خداوند (انسان - ۶) ۶- وفای به نذر (انسان- آیات ۷ و ۹) ۷- دوستی و محبت خدا (انسان - ۸) ۸- ظلم ستیزی و دفاع از حق ۹- مقام والای علمی ۱۰- رعایت حقوق فرزندان و همسر ۱۱- ... این فضایل که برخی از اهم کمالات حضرت فاطمه(س) است قابل دستیابی برای همگان است و لازم است این بانوی دو عالم را با این ابعاد شخصیتی به مخاطبین و جامعه معرفی کنیم، و در این راستا خود نیز عامل به این فضایل و ارزش‌ها باشیم.

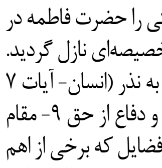

## سلوک عارفانه

### فاطمه(س)، نسخه تام انسانیت

تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه‌زهرا(س) جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است. یک زن روحانی، یک زن ملکوتی یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان، او زن معمولی نیست. او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است. بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است... زنی که تمام خاصه‌های انبیاء در اوست، اگر مرد بود، نبی بود. (1)

---

(1) ۱- صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۶

**صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه**
**سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱**
**Maarefkayhan@Kayhan.ir**